

بررسی عوامل موثر بر باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله با تأکید بر اشتغال و تحصیلات در شهر جهرم

نبی‌الله ایدر^۱، لیلا تقوایی فرد^{۲*}

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم

چکیده

در این تحقیق سعی شده است، تاثیر اشتغال زنان ۴۹-۱۵ ساله بر سطح باروری در شهر جهرم بررسی شود و همچنین عواملی دیگر از جمله تاثیر نوع مشاغل بر میزان باروری زنان، تاثیر سطح تحصیلات زنان بر میزان باروری آنان، بررسی میزان درآمد خانواده‌ها بر میزان باروری زنان و تاثیر سطح تحصیلات شوهر بر میزان باروری زنان در شهر جهرم بررسی شده است. با استفاده از روش پیمایشی و با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران، تعداد ۴۰۰ نفر از زنان ۴۹-۱۵ ساله را در سطح شهر جهرم به روش سهمیه‌ای انتخاب و اطلاعات مورد نظر را با استفاده از تکنیک پرسشنامه و گاه مصاحبه شفاهی از افراد نمونه جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفته است. نتایج حاصل از این بررسی نشان داده است که بین اشتغال زنان، نوع مشاغل، سطح تحصیلات، درآمد خانواده‌ها، سطح تحصیلات شوهر و باروری رابطه وجود دارد و بر باروری تاثیر می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: باروری، جمعیت‌شناسی، مشاغل، زنان، تحصیلات، جهرم

مقدمه و بیان مساله

در بسیاری از کشورهای صنعتی امروزی با توسعه فعالیت‌های اقتصادی زن در خارج از خانواده دو پدیده مهم به طور همزمان شکل گرفته است. اولاً از اهمیت خانواده به عنوان مهمترین هسته پایدار اجتماع کاسته شده و پایه ازدواج و تشکیل خانواده لرزان شده است. ثانیاً به جهت ناهمخوانی بین وظایف اقتصادی و خانوادگی زن، مخصوصاً در شرایطی که سازمانها و موسسات اجتماعی نتوانسته‌اند آن قسمتی از وظایف سنتی زن در خانواده را که در شرایط نوین اقتصادی به عهده آنها واگذار شده است به خوبی انجام دهند کاهش تعداد مولید راه حلی مناسب برای کاهش تضاد موجود بین نقش اقتصادی و نقش خانوادگی زن به حساب آمده است (زنجان، ۱۳۷۱: ۲۰).

مشارکت زن در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی باعث می‌شود که او سهم آشکار خود را در به حرکت درآوردن چرخهای اجتماعی ببیند. این احساس خود باوری و اعتماد به نفس را در او ایجاد و رای و اندیشه وی می‌شود و احساس وابستگی و نیاز به دیگران را در او از بین می‌برد. زنان نیمی از ظرفیت انسانی هر جامعه ای هستند، بنابراین میزان مشارکت آنها نقش و حقوقی که جامعه برای آنها در نظر می‌گیرد یکی از شاخص‌های اساسی سنجش توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. «مهمترین تاثیری که اشتغال زنان به دنبال دارد در رابطه با تولید نسل مطرح است و از آنجا که یکی از ابعاد توسعه، یا به عبارتی زیر بنایی توسعه، مشارکت اقتصادی زنان در جامعه شناخته شده است این امر باعث می‌گردد، تا متوسط درآمد در خانواده افزایش یابد؛ نسبت باروری به حداقل خود کاهش یابد و در نتیجه سطح زندگی خانواده از وضعیت بهتری برخوردار گردد» (شیخی، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

به طور کلی یکی از راه‌های پایین آوردن رشد جمعیت در سطح کلان در یک جامعه مورد نظر فراهم کردن موقعیت‌های کاری برای جمعیت زنان است، در راس چنین تحولی، در صورتی که زنان به موقعیت‌های بالای اداری و مدیریتی دست یابند در مقیاس وسیع زودتر می‌توانند اهداف توسعه را پاسخگو باشند. (شیخی، ۱۳۷۲: ۱۷۱).

اشتغال زنان تاثیر زیادی بر کارکردهای خانواده و تغییر آنها دارد؛ زیرا امروزه چگونگی و نحوه اجتماعی نمودن کودکان، شیوه نگهداری و مراقبت از کودکان و پیران و نحوه ارضاء

نیازهای عاطفی افراد و تعداد فرزندان و ... با اشتغال زنان رابطه بسیار نزدیکی دارد. رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ در مقایسه با میزان آن در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ روند کندتری داشته است. زیرا این رشد از ۳/۹ درصد به ۲/۵ درصد کاهش یافته است. این مسئله ناشی از عوامل چندی مانند: کند شدن روند مهاجرت به کشور، بالا رفتن میزان باسوادی زنان و کاهش ازدواج‌ها در سنین پایین است. این عوامل موجب کاهش باروری در ایران گردیده است. بر اساس سرشماری انجام شده در سال ۱۳۷۵، جمعیت کل کشور ۶۰/۱ میلیون نفر و میزان رشد سالانه آن بین سال‌های ۱۳۷۰ الی ۱۳۷۵ به میزان ۱/۴۷ درصد برآورد شده است. نتایج همان سرشماری (۳/۲۳ میلیون نفر) در نواحی روستایی سکونت داشته اند. جمعیت مردان کشور ۳۰/۵ میلیون نفر (۵۰/۷۴ درصد) و تعداد کل زنان ۲۹/۵ میلیون نفر (۴۹/۰۸ درصد) برآورد شده است. این میزان جمعیت در سال ۸۵ به ۷۰/۵ میلیون نفر و در سال ۹۵ به ۸۰/۶ میلیون نفر رسیده است که در این مدت با رشد مواجه بوده است. اما در سال‌های ۹۵ به بعد به دلیل کاهش رشد باروری میزان رشد جمعیت با حرکت کند مواجه شده است.

نکته قابل توجه در این سرشماری این است، که تقریباً نیمی از جمعیت کشور را جوان و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال تشکیل می‌دهند. لذا به دلیل نزدیک بودن به سن ازدواج، میزان باروری اکنون در حال افزایش است. در دو دهه اخیر شمار افراد تحصیل کرده در بین زنان ایرانی به نحو چشم‌گیری افزایش یافته است. افزایش تعداد زنان تحصیل کرده پیامدهای گوناگونی را سبب شده است. یکی از این پیامدها با بهتر شدن شرایط مشارکت زنان در زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور بوده است. بدون شک درگیر شدن در زندگی اجتماعی نتایجی نیز برای زندگی خصوصی آنها به دنبال خواهد داشت. یکی از این تاثیرات سطح باروری آنها است. اشتغال زنان می‌تواند در سطح باروری تاثیر گذار باشد. از آنجا که زنان تحصیل کرده دارای منطق کنترل باروری بالاتری هستند و از طرفی امکان ارتقاء شغلی برای زنان شاغل با افزایش تحصیلات آنها زیادتر می‌شود، بنابراین تاثیر آن بر سطح باروری یک امر طبیعی است.

اشتغال زنان می‌تواند به افزایش درآمد سرانه منجر گردد که رفاه عمومی خانواده را در پی خواهد داشت. بر اساس مطالعات جهانی انجام شده در مورد باروری، این نکته معلوم گردیده

است که اگر زنان به مشاغل گوناگونی مانند: پرستاری، معلمی، کارمندی و... روی آورند به طور متوسط ۲/۴ سال دیرتر ازدواج می کنند. عواقب این مسئله می تواند به کاهش میزان باروری منجر گردد. حتی این کار می تواند به طور متوسط تولد یک فرزند را در این گونه خانواده ها به تعویق انداخته یا از بین ببرد البته واضح است که ادامه تحصیلات عالی برای دختران می تواند ازدواج را به تاخیر اندازد.

با این تفاسیر ملاحظه می شود که بین باروری و عوامل گوناگونی رابطه معناداری وجود دارد. در این تحقیق به بررسی تاثیر اشتغال زنان بر سطح باروری می پردازد، کاهش میزان باروری در هر نقطه از دنیا می تواند منجر به توسعه ای فراگیر شود.

بدین ترتیب با توجه به افزایش سطح فرهنگ مردم در دهه ۶۵-۷۵ و به دلیل توجهات دولت به کاهش میزان بی سوادی در کشور و تاسیس مراکز علمی و فرهنگی با افزایش چشم گیر سطح تحصیلات در کشور هستیم. اشتغال زنان نیز تا حدودی زیاد تابع افزایش سطح تحصیلات آنها است. ایجاد مراکز صنعتی زمینه های بیشتری برای اشتغال زنان در شهرها فراهم خواهد کرد.

با توجه به شاخص بودن میزان باروری در روند توسعه و درگیر شدن زنان در مسائل اقتصادی تعداد شغل هایی که زنان می توانند بدان اشتغال داشته باشند، هر کدام از آن مشاغل دارای ویژگی های منحصر به فرد است، متغیر دیگری که می تواند بر میزان اشتغال زنان تاثیر بگذارد تحصیلات است. تحصیلات باعث نوپذیری بیشتر و افزایش قدرت شعور اجتماعی می شود. با توجه به افزایش نیازهای مالی خانواده ها به طور روز افزون، در صورت عدم اشتغال زنان به خصوص در طبقات پایین جامعه امری جدی است که خانواده ها سعی در جبران میزان درآمد جهت افزایش رفاه نسبی دارند که این امر باروری زنان را تحت تاثیر قرار می دهد. همچنین افزایش تحصیلات همسران منجر به بالا رفتن توانایی سازگاری بیشتر آنها با همسرانشان در جهت مسائل زناشویی می شود. زوجین با تحصیلات بالاتر، بیشتر به کیفیت فرزندان می اندیشند و از این رو از افزایش تعداد فرزندان پرهیز می کنند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که میان مولفه های اشتغال به زنان و سطح باروری همبستگی فوق العاده وجود دارد و اشتغال زنان باعث کاهش زاد و ولد می شود. زیرا زنان شاغل ساعات زیادی از وقت خود را در

خارج از خانه می گذرانند و امکان کمتری برای نگهداری فرزند دارند ترجیحا از میزان باروری خود به دلیل وجود مشکلات می کاهند. به همین خاطر مادران در کشورهای صنعتی و جوامعی که میزان اشتغال زنان بالا است دارای فرزندان کمتر و در جوامعی که اشتغال زنان زیاد معمول نیست دارای فرزندان بیشتری هستند. اغلب تحقیقات نشان دهنده رابطه مستقیم بین کار خارج از خانه زنان و فرزندان کمتری آنان است. (شیخی، ۱۳۷۲: ۱۰۸) هدف کلی این تحقیق بررسی تاثیر اشتغال زنان ۴۹-۱۵ ساله بر سطح باروری در شهر جهرم است این تحقیق اهداف جزئی دیگری را نیز در پی دارد که عبارت است از:

- تاثیر نوع مشاغل بر میزان باروری زنان در شهر جهرم.
- تاثیر سطح تحصیلات زنان بر میزان باروری آنان در شهر جهرم.
- بررسی میزان درآمد خانواده‌ها بر میزان باروری زنان در شهر جهرم.
- تاثیر سطح تحصیلات شوهر بر میزان باروری زنان در شهر جهرم.

پیشینه پژوهش

- تحقیقی توسط احمدوند تحت عنوان «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی موثر بر باروری در شهر نهاوند» تدوین شده است. در این تحقیق آمده است که: «تجزیه و تحلیل یک بعدی داده‌ها بیانگر آن است که ۶۲/۳ درصد زنان دارای یک تا سه فرزند، ۲۸/۹ درصد نیز دارای چهار فرزند و بیشتر بوده‌اند و ۹/۳ درصد نیز فرزندی نداشته‌اند. اکثریت زنان دارای تحصیلات در سطح ابتدای و کمتر (۴۲/۸ درصد) و تنها ۵/۳ درصد دارای لیسانس و بالاتر بوده‌اند. از کل مورد مطالعه، ۲۴/۳ درصد شاغل و ۷۵/۷ درصد خانه دار بودند. بین متغیرهای درآمد، نحوه مشارکت زن در تصمیم گیری خانواده و بعد خانواده پدری شوهر و میزان باروری رابطه معنی داری وجود ندارد. از طرفی بین متغیرهای اشتغال زنان در خارج از منزل، نوع شغل همسر زنان، تحصیلات زنان و همسران آنها، محل تولد زوجین، محل سکونت در محلات مختلف شهر، سن زنان هنگام ازدواج، ترکیب جنسی فرزندان، مرگ و میر کودکان، بعد خانواده پدری زن و در نهایت شمار مطلوب فرزندان از نظر زن و میزان باروری روابط معنی داری وجود دارد. اما متغیرهای تحصیلات زنان، طول مدت ازدواج، شمار

مطلوب فرزندان از نظر زن، تمایل به فرزند دیگر، فاصله گذاری موالید، استفاده از وسایل پیشگیری در سطح بالای ۹۹ درصد معنی دار بوده است.» (احمد وند، ۱۳۷۶)

- در تحقیقی دیگر توسط آقای اردشیری تحت عنوان بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهر شیراز در این تحقیق ضمن بدست آوردن مشخصات جمعیت شناسی جامعه زنان شاغل و خانه دار به تاثیر اشتغال زنان بر تقسیم وظایف زن و مرد و فرزندان در منزل تصمیم گیری و میزان دخالت زن و مرد در تصمیم گیریها، نگرش در مورد اشغال، نحوه تربیت فرزندان و رفتار باروری اشاره شده است. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان می دهد که از لحاظ مشخصات جمعیت شناسی عموماً زنان شاغل تا سن ۴۰ سالگی به کار خارج از منزل می پردازند و از سطح سواد بالاتری نسبت به زنان خانه دار برخوردارند. تحصیلات شوهران زنان شاغل نیز بیشتر از تحصیلات شوهران زنان خانه دار است و اغلب شوهران زنان شاغل کارمند هستند. سن ازدواج زنان شاغل و نیز شوهرانشان در موقع ازدواج بالاتر از سن زنان خانه دار و شوهرانشان در همان موقع بوده است.» (اردشیری، ۱۳۷۰)

- پژوهشی توسط آقای رحیمی نژاد تحت عنوان بررسی علل و تمایل زنان به باروری (تفت)، انجام شده است نتایج بدست آمده حاکی از آن است که سطح تحصیلات زنان متمایل به باروری، بیشتر از زنانی بوده است که به باروری تمایلی نشان نداده اند. علاوه بر این، درصد زنان شاغل در بین زنان گروه اول بیشتر از زنانی بوده است که تمایلی به باروری نداشته اند. متغیرهای یکه با تعداد فرزندان مطلوب واقعی معنادار شده اند، عبارتند از سن زنان، طبقه اجتماعی، سطح تحصیلات زن، اشتغال زنان، محل تولد، تعداد فرزندان موجود و تعداد سالهای زناشویی که باروش رگرسیون چند متغیری که با تعداد فرزندان مطلوب در رابطه است و تنها دو متغیر تعداد فرزندان موجود و سالهای زناشوی ۹۰ درصد واریانس تعداد فرزندان مطلوب واقعی را تبیین کرده اند. مهمترین عامل موثر در تمایل زنان جامعه مورد بررسی به باروری، عدم دستیابی به فرزندان مطلوبشان است.

- تحقیقی دیگر توسط خانم شریفی تحت عنوان بررسی رابطه میزان باروری با عوامل اجتماعی جمعیتی صورت گرفته است و به نتایج زیر دست یافته است. میزان باروری کل با استفاده از روش غیر مستقیم رله و بر اساس میزان ناخالص تجدید نسل در سال ۱۳۶۵، ۵/۸

فرزند و در سال ۱۳۷۵ برابر با ۴/۷ فرزند بوده است همچنین بر اساس آزمون T زوجی به این نتیجه رسیده است که با ۹۹٪ اطمینان می‌توان ادعا کرد که اختلاف معناداری در میزان باروری دو سال مورد مطالعه وجود دارد. همبستگی بین میزان باسوادی زنان ۳۴-۱۵ ساله در سال ۷۵-۱۳۶۵ معکوس و در سطح معناداری بسیار بالای بدست آمده است. همبستگی میزان باروری و میزان فعالیت زنان در سال‌های ۶۵-۷۵ معکوس بوده و درصد معناداری این همبستگی در سال ۶۵ بیشتر از سال ۷۵ بوده است» (شریفی، ۱۳۷۶)

- پژوهشی توسط آقای شهبازی تحت عنوان بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری (فرهنگیان شهرستان نهاوند) انجام شده است که به نتایج زیر دست یافته است با افزایش تحصیلات زوجین میزان باروری کاهش می‌یابد. بین تحصیلات زن و تعداد فرزندان ایده آل همبستگی قوی در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. بین درآمد و تعداد فرزندان رابطه وجود دارد. بین تعداد فرزندان مطلوب و تعداد فرزندان موجود و وضعیت اشتغال زنان رابطه وجود دارد. بین اشتغال و نگرش در جهت ارجحیت جنس پسر بر دختر همبستگی وجود ندارد» (شهبازی ۱۳۷۵).

- تحقیقی توسط خانم لولاآور تحت عنوان اشتغال زنان و تأثیر آن بر باروری کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران انجام شده است. در زمینه اشتغال زنان بر باروری نتیجه کلی بدست آمده این است که اشتغال زنان در کشورهای در حال توسعه غالباً از نوع مشاغل کشاورزی، روستایی و خانگی است که این نوع مشاغل باروری و پرورش فرزند منافاتی ندارد. در مورد مشاغل خارج از منزل نیز آن دسته از مشاغلی که نیاز به سطح سواد، آموزش و تخصصها ویژه ندارد، کمتر بر سطح باروری مؤثر بوده اند. مهمترین عوامل مؤثر بر باروری در ایران سن و عمومیت ازدواج، سطح سواد و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده هستند. سن ازدواج زنان از ۱۹/۹ در سال ۶۵ به ۲۰/۹ در سال ۱۳۷۰ و ۲۲/۱ در سال ۱۳۷۲ افزایش یافته است. میانگین فرزندان زنان شاغلی که از تحصیلات عالی برخوردار هستند، ۱/۹۶ فرزند و در مورد شاغلان بی سواد ۵/۸۷ فرزند است.» (لولاآور، ۱۳۷۴).

- تحقیقی توسط آقای منظوری شلمانی تحت عنوان عوامل اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهرک شهید انصاری رودسر انجام شده است که حدود ۹۷٪ زنان باسواد

بوده‌اند که از آن میان ۳۸ درصد دارایی تحصیلات دیپلم و بالاتر بوده‌اند. بین تحصیلات والدین و باروری رابطه معکوس مشاهده شد. (در تجزیه و تحلیل در متغیر داده‌ها) بین محل تولد زوجین، اشتغال زنان، سالهای زناشویی، ترکیب جنس فرزندان رابطه وجود دارد. بر این اساس، بین متغیرهای شغل مرد، ابعاد خانواده زن و مرد، نگرش زنان در مورد شمار فرزندان ایده آل و میزان درآمد خانواده با باروری رابطه وجود ندارد. «(منظوری شهابی، ۱۳۷۳).

- تحقیقی توسط رمز، ال انجام شده است. این تحقیق بر اساس اطلاعات و تحقیقات اولیه آکادمیک در کشور ترکیه انجام شده است. نویسنده خود یکی از افراد موسسه دیدگاه بین المللی تنظیم خانواده است و در سال ۱۹۹۸ آن را انجام داده است. وی می‌نویسد: «در ترکیه باروری زنان متأثر از سطح تحصیلات، کار و آزادی در انتخاب همسر است. تعداد بچه‌های زنان ترکیه به طور مشخصی بستگی به سطح سواد آنان و اشتغال آنان دارد. این آمار بر اساس داده‌های مرکز بهداشت و جمعیت‌شناسی ترکیه در سال ۱۹۹۳ بیان شده است. زنانی که مورد مطالعه قرار گرفتند نسبت به آنهایی که سواد نداشتند حداقل به مدت یازده سال دارای بچه‌های کمتری بودند. علاوه بر این زنانی که کار می‌کردند ۳٪ کمتر از زنانی که کار نمی‌کردند بچه داشتند و زنانی که همسران شان را خودشان انتخاب کرده بودند ۲٪ کمتر از کسانی که ازدواجی از روی برنامه ریزی داشتند بچه دار می‌شوند. این داده‌ها بر اساس ۶۵/۹ زنی که ازدواج کرده بودند و سن آنها بین ۴۹-۱۵ سال بود در سال ۱۹۹۳ در ترکیه انجام شده است.» (Reme2, 1, 1998, pp. 1-2)

- تحقیقی توسط خانم لن چی شولم انجام شده است وی که ریاست کمیته تحقیقات بین المللی اجتماعی در دانشگاه نیو کاسل انگلستان را بر عهده دارد. وی در سال ۲۰۰۱ تحقیقی تحت عنوان «تحصیلات، اشتغال و وضعیت جوانان» جهت ارائه به کمیته پارلمانی اروپا انجام داده است. در این تحقیق بیان شده: «این حقیقتی است که کار و خانواده نسبتاً به طور عملی در جاهایی با هم در تضاد باقی می‌مانند و در زنان جوانب رای رسیدن به آرزوها نقشه‌های زندگی شان مانعی ایجاد می‌کند. برای برخی از اختیارات موانعی وجود دارد که از ابتدا غیر عملی است، بعضی از اختیارات به نحوی است که شخص بایستی تمام وقت خود را صرف آن کند. پاسخ زنان جوان به روشنی معلوم است: به تعویق انداختن بچه دار شدن، حتی اگر محیط

اجتماعی مناسب باشد. چه زمانی کارفرمایان و سیاستگذاران قدمهای تصمیم گیرنده ای برای کمک به بر طرف کردن دستورات ممانعت کننده برمی دارند. « (Lynne, 2001, p.3)

- تحقیقی توسط میر و ومرتنز انجام شده است « میر و ومرتنز در سال ۱۹۶۸ براساس تحقیقاتی که انجام داده اند بیان نموده اند که هیچ متغیر اقتصادی- اجتماعی دیگری به جز تحصیل چنین رابطه منفی واضحی را با باروری نشان نمی دهد. این رابطه در مناطق شهری به روشنی دیده می شود. همان طوری که در مناطق کوچک روستایی نشان داده شده است در بعضی جاها در سطح ابتدایی به ویژه در پایان دوره ابتدایی به کاهش زیادی در باروری منجر می شود تفاوت ها در سطوح متوسطه و بالاتر خیلی کمتر مشخص میشوند. « (فیندلی، ۱۳۷۰: ۱۵۱)

چارچوب نظری تحقیق

گری بکر^۱: « شاهکار عمده بکر، در ارائه نظریه تخصیص زمان است. وی معتقد است که افراد اوقلت خود را به طریقی بین نیازهای خویش تخصیص می دهند که حد اکثر مطلوبیت نصیبشان شود. هر اندازه سرمایه انسانی تجسم یافته در افراد بیشتر باشد، بطرف کارهای درآمد زاء، وخارج از منزل روی می آورند، و هر قدر اعضای خانواده از آموزش کمتری برخوردار باشند، اکثر اوقات خود را در منزل و به تولید مایحتاج زندگی در خانه سپری می کنند.

از طرفی، بکر ابراز می دارد که تصمیم والدین برای فرزند بیشتر، یک تصمیم اقتصادی است وبستگی به تحصیلات، درآمد وهزینه فرصتی والدین برای بچه دار شدن دارد. هر قدر والدین از تحصیلات بیشتری برخوردار باشند، طبیعتاً " قادرند تا در آمد بیشتری کسب کنند. در این صورت فرزند بیشتر که مستلزم صرف اوقات فراوان تری است، هزینه های فرصتی بیشتری را به والدین تحصیل کرده تحمیل می کند. بدین ترتیب بکر نشان می دهد که هر قدر سطح تحصیلات والدین بخصوص مادران بیشتر باشد تمایل کمتری به داشتن فرزندان متعدد نشان می دهند، لیکن در عوض تاکید فراوانی بر کیفیت تربیت فرزندان دارند. « (عمادزاده، ۱۳۸۲: ۳۱).

¹Geribker

رولان پرسا: « رولان پرسا در مورد عوامل موثر در کنترل جمعیت سه عامل را ذکر میکند که عبارتند از: « مواد غذایی، بی نظمی‌ها و اختلالات اجتماعی و اپیدمی‌ها» به نظر او عامل مواد غذایی نوعی حد نهایی ایجاد خواهد کرد تا جمعیت نتواند به طور مداوم و بی حد از مرز معینی بگذرد، چرا که گرسنگی و قحطیبه عنوان یک عامل تنظیم کننده ظاهر می‌شود.

در مورد رابطه ساختهای جمعیتی با ساختهای اجتماعی، در درجه اول روی سن جمعیت تاکید دارد و سن رایکی از متغیرهای اصلی جمعیت شناسی دانسته و معتقد است که تمامی سرمایه فکری و بیولوژیکیبا سن متحول می‌شود. افزایش طول عمر سبب شده است که جامعه به دو گروه جوانان و پیران تقسیم شود.

در کشورهای توسعه نیافته فعالیت اقتصادی در سنین پایین تری آغاز می‌شود و اشتغال ناقص در تمام گروههای سنی دیده میشود. پدیده‌هایی مانند میزان ازدواج تحت تاثیر شدید ساخت جمعیت بر اساس سن و جنس قرار دارد و توزیع جمعیت بر اساس سطح آموزش، رسته‌های شغلی، و محل اقامت و وابستگی مذهبی شدیداً تحت تاثیر پدیده تجدید نسل ساخت سنی جمعیت است. رولان پرسا در مورد افزایش جمعیت، نظری معتدل و میانه دار. (مهاجرانی، ۱۳۷۰: ۲۸-۲۷)

«به نظر این دانشمند در کشورهای صنعتی هر چند هزینه‌های اقتصادی رشد جمعیتی وجود دارد، اهمیت نسبی طبقات فعال یا تولیدی کاملاً" به میزان رشد جمعیت وابسته است، یا بعبارت دقیق تر به میزان باروری که این رشد تابع آن است. همچنین مشاهده شده در جمعیتها دارای سطح بالایی از اشتغال، وجود تعداد زیاد کودکان برای شرکت زن در کارهای اقتصادی مانع ایجاد می‌کند. در حالی که در خانواده محدود زن می‌تواند به آسانی فعالیت داشته باشد. در اقتصادهای پیشرفته، رشد جمعیت عامل اشتغال کامل است. نیروی انسانی زیاد همگام یا اشتغال کامل، در اقتصادی پر رونق عامل مهمی است. در حقیقت اشتغال عامل اساسی رفاه جمعیتی است چراکه مشروط کننده دست یا فتن جمع کثیری به امکانات مصرف جامعه است» (مهاجرانی، ۱۳۷۰: ۳۰).

- **سیسمون دو سیسموندی^۱**: «سیسموندی با نظر مالتوس مبنی بر اینکه ازدیاد جمعیت تابع تصاعد هندسی و افزایش مواد غذایی مشول تصاعد عددی است مخالفت اصولی ندارد، منتها معتقد است که این دو نوع تصاعد از یک نوع نیستند. سیر (روند) افزایش مواد غذایی یک تصاعد واقع و به اصطلاح «بالفعل» است و حال آنکه سیر ازدیاد جمعیت تصاعد است «بالقوه». در تایید این نظر، سیسموندی استدلال میکند که اگر قرار بود اهالی «مون مارسی» از سال ۱۰۰۰ میلادی مطابق نظریه مالتوس افزایش یابند، شمار آنها در سال ۱۸۰۰ میلادی قاعدتاً می‌بایست به دو میلیارد نفر بالغ شده باشند. سیسموندی می‌گوید: خانواده‌های مون مارسی از نظر رفاه و بنیه مالی در وضع مناسبی قرار داشتند. بنابر این نمی‌توان معتقد به این شد که کمبود مواد غذایی موجب جلوگیری از ازدیاد تعداد آنها شده است. به نظر سیسموندی، عامل موثری که از تکثیر نسل این خانواده‌ها بر مبنای تصاعد هندسی جلوگیری کرده، انگیزه رفاه بوده است. در واقع افراد این خانواده‌ها مایل نبوده‌اند با ازدیاد نسل، سطح زندگی و رفاه خود را پایین بیاورند. عکس این استدلال در مورد فقرا صادق است.

بنا بر این، موجب و علت لصلی افزایش جمعیت فقر است و برای از میان برداشتن فقر هم، چاره‌ای جز تغییر دادن نظام موجود یعنی سرمایه‌داری وجود ندارد.» (کتابی، ۱۳۷۷: ۱۸۷)

- **نظریه سطح در آمد خانواده و باروری**: «در ارتباط با رابطه بین سطح باروری و درآمد خانواده نظریات مختلفی مطرح شده است که در هر جامعه‌ای متناسب با شرایط اقتصادی و اجتماعی خود ممکن است یکی از نظریات مصداق داشته باشد. در نظریه اول بین باروری و سطح درآمد رابطه معکوس وجود دارد، بدین معنی که افزایش درآمد نتیجه آن کاهش باروری خانواده می‌شود. صاحب‌نظران این اندیشه برای اثبات ادعاهای خود به علل بیولوژی، اجتماعی و اقتصادی اشاره می‌کند. از نقطه نظر بیولوژی عقیده بر این است که قدرت باروری اغنیا با خوردن غذاهای پروتئین بالا و نیز رشد فکری کاهش می‌یابد. از نظر اجتماعی با بالا رفتن سطح اجتماعی در خانواده لذاتی غیر از غرایزی و جسمانی مطرح می‌شود، از قبیل سطح فرهنگ و تعلیم و تربیت اطفال که خود برای خانواده‌های هزینه ایجاد می‌کند. از نظر اقتصادی این طور اظهار شده است که برای طبقه کم درآمد اطفال حتی در سنین پایین، به

¹Sismndei

صورت یک منبع عایدی به شمار می‌رود. ژوز وئود و کاستر و در کتاب ژئوپلینک گرسنگی اشاره می‌کند که هر چه سطح فقر در جامعه بالاتر رود، نسبت زاد و ولد افزایش می‌یابد و بر عکس» (شیخی، ۱۳۷۳: ۸۷)

در نظر دوم «بین باروری و در آمد رابطه مستقیمی وجود دارد، بدین معنی که هر چه در آمد بالاتر می‌رود، بر میزان باروری خانواده افزوده می‌شود. زیرا در بین اغنیا شرایط بهداشت و وسایل و امکانات زندگی مساعد تری وجود دارد. ممکن است ازدواجها در سنین پایین تر اتفاق بیفتد و بالاخره زمن احتیاجی به کار کردن بیرون از منزل نداشته باشد.

نظر سوم، این است که تاسطح معینی از در آمد، بین باروری و در آمد ارتباط مستقیم و بعد از آن جهت تغییرات، عوض می‌شود. گروههای کم در آمد، میزان باروری آنها کم است و چنانچه در آمد بالا رود، باروری نیز بالا می‌رود تا سطح معینی از زندگی بدست آید و از آن به بعد افزایش در آمد، باروری کاهش می‌یابد.» (جلالی، ۱۳۵۱: ۳-۱)

- نظریه تو دارو و رابطه با تعلیم و تربیت: «تو دارو در سال ۱۹۷۷، بر اساس تئوری سرمایه انسانی و مدر نیزه شدن، بحث کرد در کشورهای درحال توسعه همچنانکه تقاضا برای تعلیم و تربیت افزایش می‌یابد و هزینه‌های مربوط به آن و در حال افزایش است، بنابراین باید منابع فراوانی را نیز به همراه داشته باشد، به نظر او، هزینه‌های تربیتی در درجه اول باید توسط کسانی که از آن منتفع می‌شوند، بر آورده شود. این هزینه‌ها می‌توانند به وسیله مساعدت خانواده‌ها، خودیاری مردم و دولت بر آورده شوند.

او هم چنین می‌گوید: تفاوت در آمد بین بخشهای مدرن و سنتی باید کاهش یابد تا در نتیجه پایین ترها بتوانند به تعلیم و تربیتو منافع بیشتری دست یابند. علاوه برین، ساخت دستمزدها بایستی قبل اهر چیز، به وسیله مشاغل و نوع کیفیت آن تعیین شود، نه به وسیله میزان دستیابی به تعلیم و تربیت. او هم چنین می‌گوید که باید فرصتهای تربیتی را در تمام نقاط شهری و روستایی به درستی توزیع مرد تا همه بتوانند از فرصتهای شغلی در آینده برخوردار شوند. به نظر او، گسترش سریع تعلیم و تربیت موجب شده است که دیگر عوامل موجود در خارج از مدارس می‌توانند به کسب منافع و اشتغال کمک نمایند، مورد غفلت قرار گیرند. زیرا

این عوامل خارج از مدرسه، نه تنها در آینده منبع اصلی مشکلات به حساب خواهند آمد. بلکه در ماهیت گسترش تربیتی نیز تغییراتی را به وجود خواهند آورد. «(فاجرلند، ۱۳۷۰: ۳۱۱-۳۱۰)

- نظریه جیمز بشورز^۱: « در بین ساکنان مناطق شهری شناخت و استفاده از وسایل پیشگیری و نیز نگرش در مورد تنظیم خانواده وجود دارد. در اینگونه شهرها ابتدا در بین اعضای طبقات متوسط نگرش مثبتی در مورد تنظیم خانواده ایجاد می‌شود و سپس در مرتبه بعد در بین اعضای پایین وجود چنین فاصله زمانی در شناخت و استفاده از روشهای پیشگیری و انطباق رفتار باروری با سیاستهای تنظیم خانواده و تنظیم باروری در مورد مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری نیز چشم می‌خورد. « (فرزاد سیر، ۱۳۷۲: ۴۰)

- نظریه اسپراک^۲: « اسپراک در سال ۱۹۸۸ با ارائه مقاله ای به بررسی نرخ باروری در کشور انگلستان پرداخت. وی مطرح می‌کند که بررسی نرخ مشارکت نیروی کار زنان و نرخ باروری آنها را در گروه‌های سنی مختلف مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که نرخ باروری رابطه معکوس با نرخ مشارکت زنان در بازار کار دارد. وی به این نتیجه می‌رسد که با افزایش متوسط درآمد مردان، نرخ مشارکت زنان کاهش و نرخ باروری افزایش می‌یابد. ولی با افزایش متوسط درآمد زنان ف نرخ مشارکت افزایش و نرخ باروری کاهش می‌یابد. البته وی خاطر نشان می‌کند که با افزایش تعداد فرزندان شود. همچنین وی نتیجه می‌گیرد که اگر دستمزد زنان نسبت به مردان افزایش پیدا کند نرخ مشارکت افزایش و نرخ باروری کاهش می‌یابد. « (گزارش ملی جوانان، ۸۱: ۱۱۲-۱۱۱)

این پژوهش دارای ۵ فرضیه به شرح زیر است:

- ۱- به نظر می‌رسد بین نوع شغل زنان و میزان باروری آنها رابطه معنا دارای وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات زنان و میزان باروری رابطه معنا دارای وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات شوهر و میزان باروری رابطه معنا دارای وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین درآمد خانواده‌ها و میزان باروری رابطه معنا دارای وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین انگیزه کار کردن و سطح باروری آنان رابطه معنا دارای وجود دارد.

¹J.beshers

²Esparak

روش تحقیق

پژوهش حاضر بصورت پیمایشی انجام شده است جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه زنان شاغل ۴۹-۱۵ ساله شهر جهرم است. بر اساس آمار ارائه شده تعداد جمعیت زنان تا سال ۸۴ در این شهرستان ۱۱۹۱۴۱ نفر است که از تعداد ۴۳۹۸ نفر آنها شاغل شهر جهرم هستند. در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه یا احتمال خطای ۵٪، ۴۰۰ نفر تعیین گردید.

$$N = \frac{4 \times 5 \times 5}{/0025} = \frac{400}{1/0027} = 400 \quad N = \frac{t^2 pq}{d^2} \div 1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2 - 1} \right)$$

یافته‌های پژوهش

- فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین نوع شغل زنان و میزان باروری آنها رابطه معنا دارای وجود دارد.

جدول ۱- خلاصه نتایج آزمون χ^2 نوع شغل و تعداد فرزندان

کل	تعداد فرزندان					نوع شغل
	چهارفرزند و بیشتر	سه فرزند	دو فرزند	یک فرزند	بدون فرزند	
۸۲	۱۶	۹	۵	۶	۴۶	کارگر و مستخدم
۴۵	۲	۷	۷	۱۳	۱۶	کارمند پایین
۷۹	۲	۳	۲۴	۳۳	۱۷	کارمند بالا
۳۰	۵	۴	۲	۱۳	۶	آزاد
۱۶۴	۱۱	۴۱	۶۸	۳۵	۹	فرهنگی
۴۰۰	۳۶	۶۴	۱۰۶	۱۰۰	۹۴	کل

$$\chi^2 = 155/57 \quad df=16 \quad Sig= 0/000$$

جدول بالا نشان می‌دهد بین نوع شغل افراد و میزان باروری آنها رابطه معناداری در سطح $(p < 0/001)$ وجود دارد. بدین صورت که افرادی که کارگر و مستخدم بوده‌اند بیشتر بدون فرزند است افرادی که کارمند پایین هستند باز بیشتر بدون فرزند هستند. افرادی که کارمند سطح بالا هستند بیشتر تک فرزندی یا دو فرزندی هستند. افرادی که در شغل‌های آزاد مشغول هستند بیشتر تک فرزندی هستند و فرهنگیان بیشتر دو فرزندی و سه فرزندی هستند - فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات زنان و میزان باروری آنها رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲- خلاصه نتایج آزمون χ^2 سطح تحصیلات زنان و تعداد فرزندان

کل	تعداد فرزندان					سطح تحصیلات
	چهارفرزند و بیشتر	سه فرزند	دو فرزند	یک فرزند	بدون فرزند	
۳۵	۱۶	۲	۴	۲	۱۱	ابتدایی و نهضت
۲۵	۳	۷	۰	۷	۸	راهنمایی
۷۰	۴	۱۳	۱۵	۱۳	۲۵	متوسطه
۷۳	۸	۱۲	۲۳	۱۶	۱۴	فوق دیپلم
۱۷۶	۵	۲۸	۵۶	۵۵	۳۲	لیسانس
۲۱	۰	۲	۸	۷	۴	فوق لیسانس و بالاتر
۴۰۰	۳۶	۶۴	۱۰۶	۱۰۰	۹۴	کل

$$\chi^2 = 101/57 \quad df = 20 \quad \text{Sig} = 0/000$$

جدول فوق نشان می‌دهد بین سطح تحصیلات و میزان باروری آنها رابطه معناداری در سطح $(p < 0/001)$ وجود دارد. بدین صورت که افرادی در سطح ابتدایی و سواد آموزی هستند بیشتر دارای ۴ فرزند و بیشتر و یا بدون فرزند هستند و افرادی که در سطح راهنمایی هستند بیشتر بدون فرزند و یا دارای سه فرزند است افرادی که در سطح متوسطه هستند بیشتر

بدون فرزند هستند، افرادی که دارای فوق دیپلم هستند بیشتر دارای دو فرزند هستند. و افرادی نیز که دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس و بالاتر هستند. نیز بیشتر دارای دو فرزند و تک فرزندی هستند.

- فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین سطح تحصیلات شوهر و میزان باروری رابطه معنا‌دار وجود دارد.

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون χ^2 سطح تحصیلات همسر و تعداد فرزندان

کل	تعداد فرزندان					سطح تحصیلات
	چهار فرزند و بیشتر	سه فرزند	دو فرزند	یک فرزند	بدون فرزند	
۳۳	۱۵	۶	۴	۵	۳	ابتدایی و نهضت
۴۱	۵	۷	۲	۶	۲۱	راهنمایی
۱۰۵	۹	۱۲	۳۸	۲۳	۲۳	متوسطه
۸۶	۳	۱۵	۱۸	۲۴	۲۶	فوق دیپلم
۱۰۶	۴	۱۹	۳۱	۳۴	۱۸	لیسانس
۲۹	۰	۵	۱۳	۸	۳	فوق لیسانس و بالاتر
۴۰۰	۳۶	۶۴	۱۰۶	۱۰۰	۹۴	کل

$$\chi^2 = 106/42 \quad df = 20 \quad \text{Sig} = 0/000$$

جدول فوق نشان می‌دهد بین سطح تحصیلات همسر افراد و میزان باروری آنان رابطه معنا داری ($p < 0/001$) وجود دارد. بدین صورت که افرادی که در سطح ابتدایی و نهضت سوادآموزی قرار دارند بیشتر دارای ۴ فرزند و بیشتر هستند. افرادی که در سطح راهنمایی قرار دارند بیشتر بدون فرزند و افرادی که در سطح متوسطه هستند بیشتر دارای دو فرزند هستند و افرادی که دارای فوق دیپلم هستند بیشتر بدون فرزند و یا تک فرزند هستند، افرادی که دارای

لیسانس هستند بیشتر تک فرزند و یا دو فرزندی هستند و افرادی که دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر هستند بیشتر دو فرزندی هستند.

- فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد بین درآمد خانواده‌ها و میزان باروری رابطه معنا دارای وجود دارد.

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون χ^2 درآمد و تعداد فرزندان

کل	تعداد فرزندان					درآمد
	چهارفرزند و بیشتر	سه فرزند	دو فرزند	یک فرزند	بدون فرزند	
۷۸	۱۳	۶	۳	۱۸	۳۸	کمتر از ۱ میلیون تومان
۸۸	۹	۱۷	۹	۱۹	۳۴	۱-۲ میلیون تومان
۱۵۰	۱۰	۲۶	۵۸	۴۱	۱۵	۲-۳ میلیون تومان
۸۴	۴	۱۵	۳۶	۲۲	۷	بالای ۳ میلیون تومان
۴۰۰	۳۶	۶۴	۱۰۶	۱۰۰	۹۴	کل

$$\chi^2 = 103/34 \quad df = 12 \quad \text{Sig} = 0/000$$

جدول فوق نشان می‌دهد بین درآمد افراد و میزان باروری آنها رابطه معنا دارای $p < 0/001$ وجود دارد. به این صورت که افرادی که کمتر از ۱۰۰ هزار تومان و ۲۰۰-۱۰۰ هزار تومان درآمد دارند بیشتر بدون فرزند و افرادی که درآمدشان ۳۰۰-۲۰۰ هزار تومان و ۳۰۰ هزار تومان به بالا بوده‌اند بیشتر دو فرزندی هستند.

-فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد بین انگیزه کار کردن و سطح باروری آنان رابطه معنا دارای وجود دارد.

جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون χ^2 انگیزه از کار و تعداد فرزندان

کل	تعداد فرزندان					انگیزه از کار
	چهار فرزند و بیشتر	سه فرزند	دو فرزند	یک فرزند	بدون فرزند	
۱۳۲	۲۵	۲۴	۳۰	۲۸	۲۵	کمک خرج خانواده
۱۹۶	۸	۳۳	۶۱	۵۰	۴۴	استقلال مالی
۷	۱	۱	۳	۰	۲	احترام گذاشتن از طرف خویشاوندان
۶۵	۲	۶	۱۲	۲۲	۲۳	پر کردن اوقات فراغت
۴۰۰	۳۶	۶۴	۱۰۶	۱۰۰	۹۴	کل

$$\chi^2 = 39/24 \quad df = 12 \quad \text{Sig} = 0/000$$

جدول بالا نشان می‌دهد بین انگیزه افراد از کار کردن و تعداد فرزندان آنها رابطه معناداری ($p < 0/001$) وجود دارد بدین صورت که افرادی که بدون فرزند و یا تک فرزند یا دو فرزند یا سه فرزند هستند بیشتر به دلیل استقلال مالی ولی افرادی که دارای ۴ فرزند هستند بیشتر به دلیل کمک خرج خانواده به اشتغال روی آورده‌اند.

نتیجه گیری

زنان این نیروی عظیم، که انواع مختلف کارها را چه به طور رسمی و چه غیر رسمی انجام می‌دهند، چنانچه به استعداد های بالقوه آنان توجه شود، یکی از منابع سرمایه گذاری برای کشورهای در حال توسعه خواهند بود. از آنجا که شاغل شدن زنان موضوعی دارای اهمیت است، اما این موضوع خود تحت تاثیر عوامل مختلفی است و همچنین می‌تواند بر بسیاری از عوامل چون باروری تاثیر بگذارد. نتایج بدست آمده از این تحقیق در شهر جهرم درباره فرضیه

نوع شغل و میزان باروری رابطه معنا داری وجود دارد به طوری که افرادی که کارگر و مستخدم بوده‌اند بیشتر بدون فرزند هستند، افرادی که کارمند پایین هستند باز بیشتر بدون فرزند هستند، افرادی که کارمند سطح بالا هستند تک فرزند یا دو فرزند دارند و افرادی که در شغل آزاد مشغول هستند بیشتر تک فرزند هستند، اما فرهنگیان بیشتر دو فرزند یا سه فرزند دارند.

در رابطه بین فرضیه سطح تحصیلات زنان و میزان باروری رابطه معنا داری وجود دارد به طوری که افرادی که سطح تحصیلات ابتدایی و نهضت سواد آموزی دار هستند بیشتر دارای چهار فرزند و بیشتر و یا بدون فرزند هستند و افرادی که در سطح راهنمایی هستند بیشتر بدون فرزند و یا دارای سه فرزند هستند، افرادی که در سطح متوسطه هستند بیشتر بدون فرزند و افراد دارای مدرک فوق دیپلم بیشتر دارای دو فرزند و افراد دارای مدرک لیسانس و فوق لیسانس و بالاتر بیشتر دارای دو فرزند و تک فرزند هستند. همچنین بین سطح تحصیلات همسر و میزان باروری رابطه معنا داری وجود دارد به طوری که افرادی که در سطح ابتدایی و نهضت سواد آموزی قرار دارند بیشتر دارای چهار فرزند و بیشتر و افرادی که در سطح راهنمایی هستند بیشتر بدون فرزند و افرادی که در سطح متوسطه بیشتر دارای دو فرزند و افراد دارای مدرک فوق دیپلم بیشتر بدون فرزند و تک فرزند و افراد دارای مدرک لیسانس بیشتر تک فرزند و یا دو فرزندی هستند. افراد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر بیشتر دارای دو فرزند هستند.

بین درآمد و میزان باروری رابطه معنا داری وجود دارد به طوری که افرادی که درآمدشان زیر ۱ میلیون تومان و ۱-۲ میلیون تومان بود بیشتر بدون فرزند و افراد با درآمد ۲-۳ میلیون تومان و ۳ میلیون تومان به بالا دارای دو فرزند هستند.

با توجه به نتایج بدست آمده ۵ فرضیه این تحقیق یعنی رابطه بین اشتغال زنان نوع مشاغل زنان، سطح تحصیلات زنان، سطح تحصیلات همسر، درآمد خانواده‌ها با میزان باروری رابطه معنا داری وجود دارد و این ۵ فرضیه در این شهر مورد تایید است لازم به ذکر است عامل اقتصادی در تایید این فرضیات نقش بسیار بسزایی را دارا است و وضعیت اقتصادی و میزان درآمد به طور جدی بر هر یک از عوامل بالا تاثیر گذاشته و این عوامل خود میزان باروری را تحت تاثیر قرار داده اند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج بدست آمده و یافته‌های تحقیق جهت تاثیر اشتغال زنان بر سطح باروری در شهر جهرم پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- دولت طرح‌هایی برای به کارگیری هر چه بیشتر زنان تنظیم نموده و به مورد اجرا گذارد، تا بدین وسیله از استعدادها بالقوه آنان در جهت رشد و ترقی استفاده شود.

۲- سیاست‌های حمایتی دولت تمهیداتی چون مهد کودک، وسایل ایاب و ذهاب، پرداختن حقوق و حق بیمه در زمان بارداری، زایمان و شیر دادن، حق تاهل و اولاد و سایر فوق العاده‌های شغلی برای آنان پیش بینی نماید.

۳- کمک‌های مالی جهت آموزش بیشتر و ورد به سطح تحصیلات بالاتر برای زنان فراهم شود و چنانچه مدت کوتاهی به خاطر فرزند از مرخصی استفاده نمودند، تمهیدات لازم برای بازگرداندن آنان به بازار کار انجام گیرد و با ورد مجدد آنان، آموزش نسبت به اطلاعات روز برایشان مقدور باشد.

۴- آموزش حرفه ای برای زنان یکی از گام‌های موثر بر رشد و تولید و بالا رفتن تخصص است.

۵- تشویق زنان به مشارکت‌های اجتماعی که نتایج آن عبارتند از: بالا رفتن سطح آگاهی زنان نسبت به جامعه و مسائل آن، رشد و تعالی زنان در خلال کار، بهره بردن از مناسبات و روابط اجتماعی، کاهش باروری و جلوگیری از رشد جمعیت، کاهش میزان بار تکفل، صرفه جویی در وقت و هزینه خانواده.

۶- تهیه و توزیع وسایل پیش گیری از حاملگی به صورت رایگان همراه با آموزش روش‌های صحیح استفاده از آنها.

۷- حمایت مالی و علمی از انجام پژوهش‌هایی در زمینه باروری.

منابع

- ۱- احمدوند، کاووس. (۱۳۷۶)، بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری (شهر نهاوند)، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.

- ۲- اردشیری، مهرداد. (۱۳۷۰)، بررسی امکانات و مشکلات اشتغال زنان در شهر شیراز، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه شیراز.
- ۳- جلالی، علی اصغر (۱۳۵۱)، ترجمه هفت گزارش درباره عوامل مؤثر بر باروری، تهران، دانشگاه تهران، عنوان پایان نامه کارشناسی.
- ۴- رحیمی نژاد، محمد کاظم. (۱۳۷۳)، بررسی علل و تمایل زنان به باروری (تفت)، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.
- ۵- زنجانی، حبیب الله. (۱۳۷۱)، جمعیت و توسعه، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۶- شریفی، فرزانه. (۱۳۷۶)، بررسی رابطه میزان باروری با عوامل اجتماعی جمعیتی، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد، جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.
- ۷- شهبازی، عباس. (۱۳۷۵)، بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری (فرهنگیان شهرستان نهاوند)، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.
- ۸- شیخی، محمد تقی. (۱۳۷۲)، در زمینه جامعه شناسی جمعیت، تهران، نشر سفیر.
- ۹- شیخی، محمد تقی. (۱۳۷۳) جامعه شناسی جمعیت و تنظیم خانواده، تهران، نشر دیدار.
- ۱۰- عماد زاده، مصطفی. (پاییز ۱۳۸۲)، اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ بیستم، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۱۱- فاجر لند، اینجمار (۱۳۷۰)، تعلیم و تربیت و توسعه ملی، مترجم سید مهدی سجادی، قم، انتشارات تربیت.
- ۱۲- فزارد سیر، کامران. (۱۳۷۲)، عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر رفتارهای باروری، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد، جمعیت شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۳- فیندلی، سلی. (۱۳۷۲)، برنامه ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات صهبا.
- ۱۴- کتابی، احمد. (۱۳۷۷)، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت شناسی، چاپ چهارم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

۱۵- گزارش ملی جوانان. (۱۳۸۱)، بررسی وضعیت اشتغال جوانان، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم.

۱۶- لولا آور، منصوره. (۱۳۷۴)، اشتغال زنان و تأثیر آن بر باروری کشورهای در حال توسعه با تأکید بر ایران، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.

۱۷- منظوری شلمانی، علی رضا. (۱۳۷۳)، عوامل اقتصادی اجتماعی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهرک شهید انصاری رودسر، عنوان پایان نامه کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه تهران.

۱۸- مهاجرانی، علی اصغر. (۱۳۷۰)، نظریات جمعیتی، جزوه درسی مقطع کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

19- lynne Chi Sholem. (2001). Education , Employment and the situation of young People.

20- Remez.l. (1998) Introduction family planning perspective. Vol 24.